



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ آذر ۱۴۰۴

موضوع کلی: اصول عملیه

موضوع جزئی: اصل برائت - ادله برائت - دلیل اول: کتاب - آیه سوم - بررسی آیه سوم - اشکال دوم - احتمالات در آیه مصادف با: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۴۷

- بررسی اشکال دوم - موید استدلال به آیه سوم

جلسه: ۵۵

سال هفدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در دلالت آیه ۱۱۵ سوره توبه بر برائت بود، تقریب استدلال به این آیه ذکر شد. آیه چنین است: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ». عرض شد «ما كان الله» بر اساس نظر مستدل، به سنت پایدار الهی اشاره دارد، نه به زمان گذشته. «لِيُضِلَّهُمْ» به معنای «لِيُعَذِّبَهُمْ» است و «مَا يَتَّقُونَ» نیز به معنای اوامر و نواهی الهی می باشد. بنابراین، معنای آیه این است که خداوند هیچ گاه قومی را عذاب نمی کند مگر آنکه دستورات خویش را برای آنان بیان نماید. در ادامه بیان شد که بر این آیه اشکالاتی وارد شده است.

اشکال نخست، که شیخ انصاری مطرح نموده است، نظیر اشکالی است که بر آیه «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» وارد شده؛ زیرا «كُنَّا» دلالت بر زمان گذشته دارد و در نتیجه، اختصاص به امت های پیشین دارد و مراد از عذاب نیز عذاب دنیوی است. این اشکال پاسخ داده شده است.

ادامه اشکال دوم

اشکال دوم این است که در این آیه احتمالات متعددی متصور است و حداقل سه احتمال غیر از آنچه مستدل بیان کرده، در اینجا وجود دارد: (غیر از حمل «لِيُضِلَّهُمْ» بر معنای عذاب (یعنی «لِيُعَذِّبَ قَوْمًا»)) احتمال دوم که در جلسه پیشین ذکر شد آن است که «لِيُضِلَّهُمْ» به معنای «لِأَنْ يَجْعَلَهُمْ فِي الضَّالِّينَ» باشد؛ یعنی آنها را در گروه گمراهان قرار دهد.

اگر این معنا در نظر گرفته شود، در واقع عذابی دنیوی خواهد بود. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود که خداوند هیچ قومی را داخل در گروه ضالین قرار نداده، مگر آنکه دستورات خود را برای آنان بیان کرده و آنان گوش نکرده اند. پس طبق این آیه هیچ کس در گروه ضالین قرار نمی گیرد، مگر پس از بیان خداوند.

احتمال دوم

احتمال دیگر آن است که «لِيُضِلَّهُمْ» به معنای «لِيُعْرِضَ عَنْهُمْ» باشد؛ یعنی خداوند از هیچ قومی رویگردان نمی شود، مگر آنکه اوامر و نواهی خود را برای آنان بیان کرده و آنان توجهی نکنند و خود باعث شوند که خدا از ایشان روی بگرداند. بنابراین، بی اعتنایی و اعراض خداوند از هر قومی منوط به این است که برای آنان بیان کند و اسباب تقوا را آشکار نماید و آنان توجه نکنند.

اگر این معنا نیز پذیرفته شود، اعراض خداوند مربوط به دنیا می شود؛ همچون احتمال پیشین، که رویگردانی خدا و بی اعتنایی او

به قومی، خود نوعی عذاب دنیوی است که از سوی خداوند متعال بر کسی وارد می‌آید.

احتمال سوم

احتمال دیگر این است که «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا» یعنی «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَتْرُكَ أُمَّةً»؛ خداوند متعال هیچ امتی را رها نمی‌کند، مگر آنکه «حتی ببین لهم ما يتقون»؛ یعنی هنگامی که خداوند برای قومی پیامبری فرستاد و آنان را به سوی ایمان و توحید هدایت کرد، پس از هدایتشان، آنان را رها نمی‌نماید. بلکه مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را به عنوان شریعت برای مردم نازل می‌فرماید و ارسال می‌کند تا بدان عمل نمایند. این، سنت الهی است؛ یعنی سنت خدا این نیست که تنها پیامبری بفرستد، بلکه پیامبری با مجموعه‌ای از قوانین و شریعت می‌فرستد.

این احتمال نیز هیچ ارتباطی به مسئله براءت ندارد. زیرا رها نکردن قوم اساساً عذاب نیست، نه عذاب دنیوی و نه عذاب اخروی. خداوند در اینجا خبر می‌دهد که هرگز مردمان را به حال خود رها نکرده است؛ چنین نبوده که پیامبری بفرستد و سپس آنان را واگذارد تا هر چه می‌خواهند بکنند. پیامبری فرستاده و سپس قوانین و مقررات و شریعتی نازل کرده که بدان پایبند باشند. لذا طبق این احتمال، آیه برای استدلال سودمند نیست.

بنابراین، این احتمالات در آیه وجود دارد و با وجود این احتمالات، دیگر نمی‌توان به این آیه استدلال نمود. این سه احتمال، غیر از احتمالی است که مستدل بیان کرده است. لذا احتمالات در آیه به چهار احتمال می‌رسد. که بر طبق یک احتمال، استدلال قابل قبول است، اما بر طبق احتمالات دیگر چنین نیست.

بررسی اشکال دوم

اکنون باید بررسی کنیم که آیا این اشکال وارد است یا خیر؟ مستشکل چند احتمال ذکر کرده، ولی باید برای این احتمالات قرائن و شواهدی ارائه دهد. برخی از این احتمالات، اصلاً خلاف ظاهر آیه است. مثلاً در احتمال سوم که می‌گوید «لِيُضِلَّهُمْ» به معنای «لِيُعْرِضَ عَنْهُمْ» است، به چه دلیلی «إضلال» را به معنای «اعراض» دانسته و بر آن حمل کرده است؟ این، اصلاً با ظاهر آیه سازگار نیست. یا مثلاً اینکه «لِيُضِلَّهُمْ» بر «لَانِ يَجْعَلَهُمْ فِي الضَّالِّينَ» حمل شود، هم محتاج تقدیر است و هم با مجموع معنای آیه ناسازگار است.

علاوه بر این، اگر ما احتمال اول را بپذیریم، آن‌گاه می‌توانیم از راه دیگری به آیه استدلال کنیم. حداکثر آن است که گفته شود «لِيَجْعَلَهُمْ فِي الضَّالِّينَ» اشاره به عذاب دنیوی دارد؛ اما ما از راه اولویت می‌توانیم بگوییم: هنگامی که خداوند کسی را که به بیان و دستور و امر و نهی الهی توجه نکند، مشمول عذاب دنیوی (یعنی اضلال و قرار گرفتن در گروه ضالین) می‌کند، به طریق اولی در آخرت نیز این کار را خواهد کرد. یعنی به طریق اولی، در عذاب اخروی نیز بیان، شرط است، اگر بیانی نباشد، خداوند عذاب نمی‌کند. پس اولویت از این جهت است که عذاب اخروی نیز منوط به بیان است. نهایت سخن این است که وقتی در دنیا، عذاب دنیوی (اضلال و قرار گرفتن در گروه گمراهان) منوط به بیان است؛ در آخرت به طریق اولی این توقف و شرطیت وجود دارد.

سوال:

استاد: بحث سر عذاب این قوم و فعلیت آن نیست، بحث در دائرمدار بودن بیان است؛ یعنی عذاب، دایر مدار بیان است و این اولویت وجود دارد. ... مسئله به چیز دیگری بازمی‌گردد، اگر ما اختصاص به عذاب دنیوی را ثابت کنیم، آنگاه این مربوط به امت‌های پیشین می‌شود و از آن قاعده‌ای به دست نمی‌آید که تا آخر نیز به همین صورت باشد. شما نهایتاً می‌خواهید از این

استفاده کنید که کسی که در این دنیا عذاب شده، لزوماً در آخرت نیز عذاب می‌شود... اینجا دو مسئله است یکی اینکه اگر بگوییم در گروه گمراهان قرار می‌گیرند، به طریق اولی ضالین در قیامت عذاب می‌شوند. اما مسئله توقف بر بیان، مسئله دیگری است. برائتی که نمی‌خواهد اثبات کند که امت‌های سابق که از گمراهان بودند در قیامت عذاب می‌شوند، خب، عذاب شوند. او چیزی دیگری را می‌گوید، اگر مربوط به امت‌های سابق شد و عذاب نیز عذاب دنیوی بود دیگر برای استدلال مناسب نیست. من گفتم اشکال اول شیخ دو جهت داشت. یک جهت «کُنَّا» بود که اشاره به زمان گذشته دارد. جهت دوم این است که این در مورد عذاب دنیوی سخن می‌گوید. حال اگر نهایتاً ما برای امت‌های پیشین عذاب دنیوی را ثابت کنیم حتی به قول شما اگر بگوییم عذاب دنیوی آنان لزوماً به معنای آن است که امت‌های پیشین عذاب اخروی دارند و خداوند دارد خبر می‌دهد که امت‌های پیشین عذاب اخروی نیز دارند؛ آیا باز هم دلالت بر برائت می‌کند؟ ... ما داریم درباره برائت بحث می‌کنیم... لذا قرار گرفتن در گروه گمراهان و عذاب اخروی آنان، باز هم به تنهایی برای اثبات برائت کفایت نمی‌کند. شما همین را می‌گویید... یعنی بگویید «کُنَّا» به معنای زمان است ... این «لِیُضِلَّ قَوْمًا» هم به معنای «لِیَجْعَلَهُمْ فِي الضَّالِّينَ» می‌دانیم. یعنی آن جهت را کنار می‌گذاریم: به معنای «فِي الضَّالِّينَ» و این نیز نفس قرار گرفتن در گروه گمراهان است که عذاب اخروی دارد. بسیار خب. یعنی خداوند تبارک و تعالی هیچگاه قومی را (یعنی بنایش بر این نیست، سیره‌اش بر این نیست) در گروه گمراهان نمی‌برد؛ یعنی در دنیا آنان را در این گروه قرار نمی‌دهد.

احتمال سوم نیز احتمالی است که خلاف ظاهر آیه می‌باشد؛ اینکه منظور خداوند این باشد که «بعد إِذْ هَدَاهُمْ» یعنی بعد از ارسال رسل، آنان را رها نمی‌کند، بلکه شریعت برایشان می‌آورد. ظاهر آیه این است که ارسال رسل و انزال کتب و شریعت، بخشی از همان هدایت است. این معنایش آن نیست که بعد از هدایت آنان را رها نمی‌کند و شریعت و قانون و مقررات برای این‌ها می‌آورد. بنابراین، احتمال دوم و سوم که خلاف ظاهر آیه است. احتمال اولی هم که این مستشکل گفته با آن می‌توانیم برائت را ثابت کنیم. لذا، چه احتمال اول باشد چه احتمال دوم، آیه می‌تواند برائت را اثبات کند.

موید استدلال به آیه سوم

و یوید ذلک شأن نزولی که برای این آیه گفته شده است. دو شأن نزول برای این آیه گفته‌اند:

۱. گروهی از مسلمانان قبل از آنکه فرائض و واجبات و محرمات بیان شود، از دنیا رفتند. عده‌ای آمدند خدمت رسول خدا و از ایشان سؤال کردند: یا رسول الله، این برادران ما که قبل از فرائض از دنیا رفتند، جایگاهشان چگونه است؟ این آیه نازل شد: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ» که یعنی: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ» بالاخره این برادران شما هدایت شده بودند و قبل از آنکه بیان شود از دنیا رفتند، لذا عذاب نمی‌شوند.

۲. گاهی اوقات برخی واجبات و دستورات نسخ می‌شد. این تکالیف تا به گوش برخی از مسلمانان برسد طول می‌کشید و قبل از آنکه به گوش آنان برسد، چون در مناطق دیگر بودند، از دنیا می‌رفتند. عده‌ای آمدند سؤال کردند که منزلت این‌ها چیست؟ این آیه نازل شد که: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ...».

این دو شأن نزول اصلاً مربوط به امت پیامبر است. لذا ربطی به امت‌های سابق ندارد و یک قاعده و حکم کلی را بیان می‌کند. لذا در مجموع، با توجه به این مؤیدی که ذکر کردیم و پاسخی که به اشکال اول و دوم دادیم، به نظر می‌رسد این آیه نیز بر وزن

«وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» ... دلالت بر براءت دارد. دو اشکال مطرح شد که پاسخ داده شد.

بحث جلسه آینده

دو سه آیه دیگر باقی مانده است که آنها را نیز انشاءالله در آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»